



Criminalization as a Tool for Crime Prevention Under Legal Principles

Rahim Vakilzadeh^{1*}

Received: 2025/07/28

Accepted: 2025/09/19

Abstract

Introduction: Crime and transgression, as inevitable social realities, require astute governance within the public order framework. Effective penal systems necessitate profound intellectual and ethical underpinnings. Islamic jurisprudence (Ijtihad), with its rich compendium of principles, can furnish a robust framework for criminal policy. This article elucidates the role of key jurisprudential maxims in penal law and their impact on crime prevention and public order, structured in two parts.

Method: Employing a descriptive-analytical methodology, the study first examines cardinal jurisprudential rules—the presumption of innocence (*al-bara'ah*), the rule of eliminating doubts (*dar' al-shubuhah*), the rule of covering faults (*satr*), repentance (*tawbah*), and precaution (*ihtiyat*). These function as foundational axioms for interpreting penal statutes. Subsequently, the analysis shifts to their long-term pedagogical and preventive roles in fostering societal order, explicitly excluding severe organized crimes from its primary scope.

Findings: The analysis indicates these jurisprudential principles provide a formidable basis for equitable criminal legislation. The presumption of innocence underpins fair trial, eliminating doubts curtails unjust prosecution, and covering faults facilitates rehabilitation by offering a chance for redress. Repentance enables exit from punitive cycles. Beyond immediate legal utility, these principles promote ethical conduct, self-regulation, and restorative justice, thereby cultivating internalized crime prevention and a durable, consensual public order.

Conclusion: Harnessing jurisprudential principles can yield a balanced, just, and efficacious criminal policy. Maxims such as innocence, doubt-elimination, fault-covering, and repentance simultaneously restrain excessive penalization and, through their reformatory outlook, enable non-custodial prevention and public order institutionalization. It is acknowledged that these primarily address individual crimes, whereas combating severe organized crime demands distinct, decisive strategies. The synthesis of jurisprudential wisdom with public order imperatives presents a comprehensive paradigm for rationally addressing criminal phenomena.

Key words: Crime, Criminalization, Jurisprudential Rules, Prevention.



How to cite this article: Vakilzadeh, Rahim (2025). Criminalization as a Tool for Crime Prevention Under Legal Principles. *Law and Public Order*, 1(1), 91-97. (In Persian).

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence and bases of Islamic Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. *Corresponding Author: rahim_phd@yahoo.com

جرم پوشی و تأثیر آن در پیشگیری از جرم در پرتو قواعد حقوقی

رحیم وکیل زاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

چکیده:

مقدمه: جرم و خطا به عنوان واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، نیازمند مدیریتی هوشمندانه در چارچوب نظم عمومی هستند. نظام‌های کیفری برای تدوین قواعد کارآمد، نیازمند پشتوانه‌های فکری و اخلاقی محکمی می‌باشند. فقه اجتهادی با گنجینه غنی از اصول و قواعد، می‌تواند چارچوبی استوار برای سیاست جنایی فراهم کند. این مقاله با هدف تبیین نقش قواعد فقهی کلیدی در حوزه جزا و تحلیل تأثیر آنها در پیشگیری از جرم و تحقق نظم عمومی، در دو بخش اصلی تنظیم شده است.

روش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در بخش نخست، قواعد فقهی بنیادین مانند اصل برائت، قاعده درء، قاعده ستر، توبه و احتیاط مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به عنوان اصول حاکم و پایه‌ای در تفسیر قوانین کیفری عمل می‌کنند. در بخش دوم، با تغییر نگرش از آثار فوری به آثار بلندمدت، نقش تربیتی و پیشگیرانه این قواعد در ایجاد نظم عمومی تحلیل شده است. جرائم سازمان‌یافته خشن عمدتاً خارج از دایره شمول این بحث هستند.

یافته‌ها: بررسی قواعد فقهی کلیدی نشان می‌دهد که این اصول می‌توانند پایه‌ای محکم برای تدوین قوانین کیفری عادلانه فراهم آورند. اصل برائت سنگ بنای دادرسی منصفانه، قاعده درء مانع تعرض بی‌جهت، و قاعده ستر با پوشش خطا، فرصت بازگشت می‌دهد. قاعده توبه نیز به خروج از چرخه مجازات کمک می‌کند. این اصول صرفاً کارکرد حقوقی و فوری ندارند، بلکه در بلندمدت با تأکید بر اخلاق، خودکنترلی و اعطای فرصت جبران، به پیشگیری درونی از جرم و استقرار نظم عمومی پایدار و مقبول می‌انجامند.

نتیجه‌گیری: استفاده از ظرفیت غنی قواعد فقهی در حوزه حقوق جزا، می‌تواند به شکل‌گیری سیاست جنایی متعادل، عادلانه و کارآمد بیانجامد. اصولی مانند برائت، درء، ستر و توبه، از یکسو مانع گسترش غیرضروری نظام کیفری و تضییع حقوق افراد می‌شوند و از سوی دیگر با نگاهی تربیتی و اصلاح‌گرایانه، بستر پیشگیری غیرکیفری و نهادینه‌سازی نظم عمومی را فراهم می‌آورند. البته این اصول عمدتاً ناظر بر جرائم عمومی در سطح فردی است و مقابله با جرائم سازمان‌یافته سنگین، نیازمند رویکردی قاطع‌تر و متفاوت است. تلفیق خرد فقهی با ضرورت‌های نظم عمومی، راهحلی جامع‌نگر برای مواجهه عقلانی با پدیده جرم ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: جرم، جرم پوشی، قواعد فقهی، پیشگیری.



استناد: وکیل زاده، رحیم (۱۴۰۴). جرم پوشی و تأثیر آن در پیشگیری از جرم در پرتو قواعد حقوقی. *حقوق و نظم عمومی*، (۱)، ۹۷-۹۱.

مقدمه

یکی از ملزومات مهم نظم عمومی در جامعه، اقداماتی است که در کوتاه مدت سبب پوشیده ماندن جرم و در بلند مدت باعث تنبه و پشیمانی انسان مبتلا به جرم و گناه می شود. بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که هزینه پیشگیری، از حیث معنوی و مادی - به مراتب از هزینه و عواقب ارتکاب جرم کمتر است. در این مقاله بر اساس سوال مهم اهمیت جرم پوشی از نگاه قواعد فقهی - حقوقی، به پاره ای از قواعد حاکم بر کیفریات و حقوق جزا اشاره خواهیم نمود و طی آن با استناد به ادله محکم، حاکمیت و حکومت قواعد جرم پوشی بر همه قوانین کیفری از جمله سیاست کیفری و تقابل بین آموزه های فقهی و قوانین موضوعه بشری در این زمینه خواهیم پرداخت.

یکی از ساحت های حقوقی، حقوق جزا و جرم شناسی است که در اصطلاح فقهی از آن به حدود و تعزیرات یا کیفریات و یا فقه الجزاء تعبیر می کنند. همانند تمام مکاتب و سیستم های حقوقی، فقه اسلام نیز برای جرم و مجازات آن، حقوق و قواعد مدونی دارد که مبانی و ادله مخصوص خود را دارا می باشد. در اینجا ابتدا، قواعد حاکم بر فقه کیفری و سپس به نقش این قواعد و کیفرزدایی در پیشگیری از جرم و ایجاد نظم عمومی خواهیم پرداخت.

۱- قواعد حاکم بر کیفریات در فقه اسلام

۱-۱- اصل برائت

اینکه نگاه به انسان بر مبنای این اصل پایه ریزی شود و «ذمه انسان ها» «بری» شمرده شود و در یک کلام اصل بر این باشد که «هیچ کس مجرم نیست.» (اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). فی نفسه نگاهی متعالی و پیشرو و متناسب با جامعه متری و با فرهنگ است. فارغ از اینکه ادله برائت چه چیزهایی است؟ به نظر می رسد، «عقل» در این مقوله نقش پررنگی دارد و اگر در ادله نقلی نیز از آن سخن گفته شده است، ارشاد به همان دلیل عقلی «قبح عقاب بلا بیان» و «استصحاب عدم مجرمیت» انسان دارد. (انصاری، ۱۴۲۶ق. ج. ۱)

۱-۲- قاعده ستر (الستر اولی)

این قاعده که به نظر می رسد جنبه های اخلاقی آن بسیار پررنگ می باشد و نیاز به تبیین و ترویج بیشتر در جامعه دارد، بیان میکند که هرگاه انسان مبتلی به معصیت شد، واجب است خود آن را بپوشاند و توبه نماید و آبروی خویش را در جامعه سودا نکند. تا جایی که در برخی روایات ضمن عتاب کسانی که جرم خود را به زبان می آورند، به لفظ جلاله سوگند خورده شده و چنین آمده است که:

«فوالله لتوبته فیما بینة و بین الله، افضل من اقامتی علیه الحد»

نکته جالب قاعده آن است که نسبت به دیگران نیز مستحب شرعی و بلکه گاه واجب شرعی است که چشم بر گناه دیگران بپوشند تا تحمل شهادتی حاصل نشود که منجر به ادای آن گردد. «...لوسترته بثوبک کان خیرا لک» (مغنیه، ۱۳۷۹ق. ص ۲۵۳). در مورد فایده و زیان این نوع نگاه در بخش دوم مقاله صحبت به میان خواهد آمد.

۱-۳- قاعده دراء

با آنکه یکی از قواعد بسیار مهم حوزه فقه جزایی قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» است. (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۴ق.) اما به نظر می رسد نیاز به تبیین و تحقیق فراوان دارد.

بر اساس این قاعده هرگاه کوچکترین شبهه ای در جریان رسیدگی به پرونده و یا حتی «تحقیقات غیرقضایی» ایجاد شود، هرگونه کیفر و مجازات حدی رفع می گردد. رفع چگونه است؟ آیا درء شامل تعزیرات و مجازات های بازدارنده می شود، شبهات از چه نوع است؟ تأثیر زمان و مکان و فناوری های روز در ایجاد شبهه و ... چگونه است؟ از حاکم رفع میشود یا حکم کلی نوعی برای تمام انسانها است؟ و.... همه این موضوعات نیاز به تحقیقی از زاویه و نگاه جدید دارد.

۱-۴- قاعده خطای حاکم^۱

یکی از قواعدی که به وضوح دلالت بر کیفرزدایی دارد، قاعده ای است که بر اساس آن حاکم اگر از روی خطا حکم عفو و برائت صادر کند بهتر است از اینکه از روی خطا حکم بر مجازات متهم بدهد. این قاعده به وضوح بیانگر آنست که در صورت تردید، جانب عفو و بخشش گرفته شود که البته خود قاعده می تواند از مصادیق و نتایج اصل برائت نیز محسوب شود.

۱-۵- سخت گیری در اثبات جرایم خاص

در کتاب «محاسن الشریعه و مساوی القوانين الوضعیه» نوشته "عطیه بن محمد سالم" در مبحث حد رجم یا جلد زانی چنین آمده است:

«احیط فی الشریعه بشروط فی الاثبات لا تکاد توجد الا بندره و ما یثبت فی تاریخ الاسلام حد الرجم الا بالاعتراف و فی غایه من القله و الندره یمکن عدّه علی الاصابع و الاعتراف محض اراده و اختیار و رغبه فی التطهر من اثم الاثم.» (بن محمد سالم، ۱۴۲۲ ق. ص ۳۷)

فارغ از نام کتاب که خواننده محترم را به تامل در مفهوم و عمق پیام آن دعوت می نمایم، توجه به نکته زیر هم بسیار مهم است که می گوید:

«ولو امتنع من الحضور الی القاضی لما طلبه و لو رجع علی اقراره لما حده بل یدرء عند الحد بالشبهه» (بن محمد سالم، ص ۳۷)

آیا کسی در "واقعه مشابه منسوب به حضرت مسیح (ع) و حضرت علی (ع)" مدرکی دال بر به سراغ مجرمان رفتن این بزرگان دارد؟ آنگاه که فرمودند هرکس مرتکب گناهی شبیه این شده است، نماند و حد اجرا نکند، بسیاری و تقریباً تمام آنانی که اجرای حد و شرکت در آن را با صحنه نمایش تئاتر و فیلم اشتباه گرفته بودند، پا به فرار نهادند که خود اقرار ضمنی بر مجرمیت بود لکن آیا فردا و فرداهای آن روز کسی سراغشان را گرفت؟!

سخت گیری در اثبات جرم بویژه موضوع شهادت شهود بصورت کامل، از ادله کیفرپوشی و کیفرزدایی در فقه اسلام است.

۱-۶- قاعده توبه (لاطهاره افضل من التوبه)

بر اساس این قاعده توبه با شرایطی که در جای خود مضبوط است حد را از انسان ساقط می کند و اتفاقاً افضل طهارت برای مجرم محسوب می شود و البته بر خواننده محترم مبرهن است که توبه در حقوق الهی است و اگر کسی در حق الله بودن برخی جرایم مانند روابط نامشروع و زنا و... سوالی داشته باشد به منابع مفصل رجوع فرماید (موسوی بخنوردی، ۱۳۷۷ ش. ج ۷).

۱. قال رسوا الله (ص): "... کان الامام لان یخطی فی العفو خیر من ان یخطی فی العقوبه، میزان الحکمه، ج ۲.

۱-۷- قاعده رحمانیت و اعدلیت الهی

صفت رحمان از صفات ثبوتی حضرت حق است و با اطلاق و عمومی که دارد، شامل گناه کار و مجرم نیز می شود بلکه در برابر آنها مفهوم و معنای خود را پیدا می کند. آنچه در متون فقهی آمده، این است که هر آنکه بخاطر جرمی حد بر او جاری گردد، خداوند متعال بخاطر آن جرم بار دوم او را عقوبت نخواهد نمود زیرا عدل و ارحم از آن است که بر یک جرم و گناه، دو بار عقوبت نماید (مغنیه، ۱۳۷۹ق). در این فقره مسئولیت شرعی و اخلاقی کسانی که مجرم حد خورده را از برخی حقوق اجتماعی شان محروم نموده و تا آخر عمر، به خود و خانواده ی او به چشم مجرمیت و حقارت می نگرند، با خودشان!!!

۱-۸- احتیاط در اجرای حدود

«قاعده حرمت خون و مال و عرض»

اصل حاکم در دماء و... احتیاط است لذا تا جایی که می توان باید احتیاط نمود و یکی از ادله کسانی که اجرای حدود بویژه از نوع «سالب حیات» را در زمان غیبت، جایز نمی دانند، این است. بویژه که انسان گاه بین اهم و مهم و غیر مهم نمی تواند یا نمیخواهد تفکیک قائل شود. در جریان دزدی یکی از اشراف صدر اسلام و واسطه گری برخی برای نادیده انگاشتن موضوع، پیامبر فرمود: «انما هلك الذین من قبلکم انهم اذا سرق فیهم الشریف ترکوه و اذا سرق فیهم الضعیف، اقاموا علیه الحد» و ایم لله: «لوان فاطمه بنت محمد سرقت، لقطعت یدها» (مقدس، ۱۴۲۸ق. ص ۲۳۶). سید محمد سعید حکیم نوه دختری سید محسن حکیم از اولین مراجعی بودند که حکم به طهارت ذاتی اهل کتاب دادند، در مورد مجازات ارتداد نیز فتوایی به این مضمون دارند که مجازات و توبه خداوند واگذار گردد (حکیم، یکی شیعه، پایگاه خبری شفقنا). علاوه بر آنچه گفته شد، به قواعدی مانند مصلحت، جب، تعلیق، شفاعت، مرور زمان، تخفیف و تبدیل، انصاف، تفسیر مضیق در مجازات و... هم می توان استناد نمود که نتیجه ی همه آنها، در یک کلام این سخن است که «پوشیده ماندن جرم و توبه نمودن به درگاه خداوند از اجرای حدود، به مراتب با ارزش تر است.»

۲- نقش قواعد فقه کیفری در پیشگیری از جرم و نظم عمومی

چنانچه گفته بودیم مقاله از دو بخش تشکیل شده است؛ در این بخش به جایگاه و تاثیر این قواعد که عمدتاً منشاء و اثری اخلاقی دارند، در پیشگیری از جرایم اشاره می کنیم و اگر این کارایی ثابت گردد، یکی از لوازم و آثار مهم آن ایجاد نظم عمومی خواهد بود که خود یکی از آمال و اهداف حقوق و فلسفه ی وجودی قوانین و مقررات به حساب می آید. آنچه در بخش اول بدان پرداختیم، بیشتر از منظر اثر آنی و کوتاه مدت و شخصی قواعد فقه بود. اما در این مجال از آثار کلی و عمومی آنها صحبت خواهیم کرد.

قبل از آن، تذکار یک نکته ضروری به نظر می رسد؛ وقتی از ستر و بخشش جرم صحبت می شود، گروهی را گمان بر این است که «سنگ ها بسته و سگها رها خواهد شد» و «ترحم بر پلنگ تیز دندان خود ستم کاری بود بر گوسپندان» اما واقعیت امر چیز دیگری است.

هیچ عاقلی از برخورد با مجرم بویژه اگر از نوع مجرم بالفطره یا جرایم سازمان یافته باشد، منع نمی کند و اتفاقاً ستر و رحم در برابر این جرایم خود منافی با نظم عمومی است.

نگاه در اینجا نگاه کلامی است که هیچ انسانی عاری از خطا نیست. بقول صائب تبریزی: دست بر دامن هر کس که زدم رسوا بود کوه با آن عظمت یک طرفش دریا بود

بلکه از باب «بشر بودن» است که اقتضایش تمنای «تب علینا» بر درگاه الهی است. به تعبیر علامه مغنیه «جریمه مستوره» با گذر ایام از بین رفته و در تاریکی فرو می رود و آنگاه است که «یرجع صاحبها الی ربه و ضمیره» (مغنیه، ۱۳۷۹ق. ص ۲۵۳).

بنابراین اثر دراز مدت عفو و ستر و چشم پوشی و تجاهر در برابر خطایا و جرایم انسانها خود نوعی تربیت و «کیفر مثبت» محسوب می شود که علاوه بر «عدم تشییع فحشا» باعث روند صعودی و رو به کمال نیز می گردد.

صاحب کتاب «فقه الامام جعفر الصادق» در ذیل عنوان منحصر بفرد و قابل تامل «علی الدوله ان تزوج الزانیه» به نمونه هایی از برخورد منطقی و عاطفی امام علی (ع) در برابر مجرم اشاره نموده و می نویسد:

«بهذا المنطق المعقول یقضى علی الجریمة والفاحشة لا بالحکم و المواعظ ولا بالتانیب و التوبیخ»

خلاصه سخن در این مقال است این است که بر مبنای رفتاری عقلانی که ریشه آن در اخلاقیات است، می توان نظم عمومی و استحکام و قوام جامعه را محقق نمود.

آیا بر متولیان امر این سوال ایجاد نشده است که با این همه تانیب، توبیخ، تحبیس و... چرا آمار مجرمان روز به روز افزون میگردد و حتی مجرم حد خورده و زندان دیده به مراتب وضعیت خطرناکی نسبت به قبل مجازات پیدا می کند؟

چقدر فاصله است بین تربیت شدگان مکتب معصوم که با پای خویش به محضر وی می آمدند و اقرار به جرم می کردند تا پاک گردند، و مجرمان و گنه کاران امروز؟

آیا جز این است که به کرامت و عدالت و جرم پوشی و افضلیت توبه بر هر مجازات در نگاه آن بزرگواران، اعتقاد کامل داشتند؟ خلاصه سخن آنکه از برائت گرفته تا ستر، از عفو و اهمیت توبه تا حتی مرور و تقادم زمان، همه و همه برای این مهم است که برخورد کریمانه در برابر مجرم کاری می کند که هیچ زندان و کیفر مالی و بدنی و... نمی تواند بکند.

نتیجه

جرم و خطا، جزء لاینفک جوامع بشری است و نمی توان با پاک کردن صورت مساله، از آن چشم پوشید. رکن اساسی بقاء و ارتقاء هر جامعه نیز، «نظم عمومی» است. از این رو باید با واقعیت های تلخ روبرو شد و برای آنها چاره ای اندیشید.

در این میان مهم است که نظر فقه اجتهادی را در مورد نحوه برخورد با جرم و مجرم دانست و بر اساس آن سیاست جزایی را پایه گذاری نمود و یکی از راههای دستیابی به نظر صائب، آشنایی و تعمق و تدبر در برخی قواعد فقهی کلیدی در حوزه جزا و کیفریات است، قواعدی که می توان از آنها به قواعد «حاکم و اصلی و پایه» نام برد، که قواعد دیگر و قوانین و احکام باید بر اساس آنها توجیه و تفسیر شود.

از جمله اصل اصیل و بنیادین و پیشرفته «برائت»، قاعده «درأ»، قاعده بسیار مهم «ستر» و پوشاندن جرم، توبه، احتیاط در دماء و اعراض و اموال که هر یک به تنهایی دریایی پرارزش در تدوین قوانین و مقررات کیفری و جزایی محسوب می شود مثلاً اصل «مجرم نبودن هیچکس» باید حاکم بر محاکم ما باشد مگر آن که خلاف آن احراز گردد.

آنچه گفته شد، بخش اول مقاله را به خود اختصاص داده است اما در بخش دوم به نقش قواعد فقه کیفری در پیشگیری از جرم و ایجاد نظم عمومی پرداخته ایم. آنچه در بخش اول مورد توجه قرار گرفته است علاوه بر اینکه رنگ و بوی اخلاقیات را هم دارد، بیشتر از منظر اثر فوری و شخصی قواعد فقه حاکم بود اما آنچه در بخش دوم مورد توجه قرار گرفته است، آثار درازمدت این قواعد است که خود نوعی تربیت و کیفر مثبت محسوب می شود. به نظر می رسد آنچه در این مختصر گفته شد می تواند بر ایجاد نظم در جامعه اثر فراوانی بگذارد البته با توضیح این مهم که جرائم سازمان یافته و خشنی که آرامش و نظم عمومی را هدف قرار داده اند، موضوعاً و حکماً از این مباحث خارج هستند.

منابع

- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۶ ق). *الرسائل* (ج. ۱). قم: موسسه النشر الاسلامی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۷ (اصلاحات ۱۳۶۸).
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق). *فقه الامام الصادق (ع)*، (ج. ۳). قم: موسسه انصاریان.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۴ ق). *من لا یحضر الفقیه*. تهران: مکتبه صدوق.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰ ش). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.
- بن محمد سالم، عطیه (۱۴۲۲ ق). *محاسن الشریعه و مساوی القوانين الوضعیه*، (ج. ۱). بیروت، لبنان: دارالمحجۀ البیضا.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷ ش). *القواعد الفقهیه*، (ج. ۱). قم: موسسه اسماعیلیان.
- مقدسی، عبدالغنی بن عبدالواحد (۱۴۲۸ ق). *عمدالاحکام من کلام خیر الانام*، (ج. ۱). تهران: نشر احسان
- ویکی شیعه (۲۰۲۵، دسامبر ۱۱). حکیم سید محمد سعید. بازیابی شده در ۲۰ آذرماه ۱۴۰۴.